

اشک و لبخند

مجموعه داستانهای کوتاه
مدافعان حرم به روایت همسران



مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

شابک	: 978-964-495-511-2 / ۱۰۰۰۰۰۰ ریال
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۷۰۶۲۳۵
عنوان و نام پدیدآور	: اشک و ایخند : مجموعه چهار داستان واقعی از خانواده‌های مدافعان حرم / تألیف منیره میرزایی
مشخصات نشر	: تهران: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۱۳ ص، ۱۳/۵×۲۱/۵ سم.
عنوان دیگر	: مجموعه چهار داستان واقعی از خانواده‌های مدافعان حرم
موضوع	: داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: Short stories, Persian -- 20th century
موضوع	: شهیدان -- سوره -- داستان
موضوع	: Martyrs -- Syria -- Fiction
رده بندی دوبی	: ۸۵۳/۶۳
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ / ۴۳۷۲ / ۵ / PIRAT۶۱
سرشناسه	: میرزایی، منیره، ۱۳۵۸ -
وضعیت فهرست نویسی	: فیا



اشک و ایخند

مجموعه داستانهایی کوتاه مدافعان حرم به روایت همسران

تألیف: منیره میرزایی

ناشر: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

نوبت چاپ: دوم ۱۳۹۸ // شمارگان: ۵۰۰ جلد

حروفچینی: ظریفیان // لیتوگرافی: سحر // چاپخانه و صحافی: قدر ولایت

طرح جلد: امیر خلیلی فرد

شابک: ۲-۵۱۱-۴۹۵-۹۶۴-۹۷۸

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

دفتر توزیع و بخش: خیابان پاسدور - خیابان ۱۲ فروردین جنوبی - کوچه خاقانی پلاک ۸

تلفن: ۶۶۴۶۹۹۵۸-۶۶۴۱۱۱۵۱-۶۶۴۷۰۲۰۵

نشانی پایگاه اینترنتی: www.ghadr110.ir نشانی پست الکترونیکی: info@ghadr110.ir

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است



تقدیم به

بنده به جوان انقلابی متدین، ارادت دارم.
«امام خامنه‌ای»

این داستانها بر اساس واقعیت نقل شده‌اند، اما اسامی واقعی نیستند.

تقدیم به:

همسران رزمندگان مدافع حرم، که صبر زینبی را الگوی خود قرار داده‌اند.



فهرست

- مقدمه ۹
- تقدیر و تشکر؛ ۱۲
- سخن مؤلف: ۱۳
- داستان اول:
- هدیه‌ای از عبدالعظیم! ۱۷
- داستان دوم:
- صدای در که او مد..... ۴۵
- داستان سوم:
- ای کاش کسی اون دورو برها نبود..... ۶۳
- داستان چهارم:
- زهرا، بچه صبر ۸۳

مقدمه

"مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (الاحزاب: ۲۳)"

با رشد حیرت‌انگیز اسلام در قلب قاره‌های اروپا و آمریکا، سردمداران استکبار و صهیونیسم جهانی، برآن شدند تا سرچشمه‌های این زلال همیشه جوشان اسلام را گل‌آلود سازند. از این رو برای درهم شکستن جبهه مقاومت اسلامی و حزب‌الله لبنان، جنگ ۳۳ روزه راه‌به‌راه انداختند و با حول و قوه الهی و مقاومت غیرتمندانه حزب‌الله لبنان، شکست مفتضحانه خوردند.

دشمنان اسلام که همه اقداماتشان ابتر مانده بود، با به‌کارگیری حداکثر توان مادی و معنوی خود، اقدام به تشکیل و حمایت همه‌جانبه از جریانهای تکفیری - که به واقع ادامه‌دهنده‌ی مشی فکری و عملی منافقین صدر اسلام می‌باشند - در منطقه نمودند تا بتوانند خاک بر چهره‌ی چون آفتاب اسلام عزیز بپاشند که صدالبته کاری است بس عبث!

جریانهای تکفیری با حمایت و پشتیبانی آمریکای و ایادی در منطقه، و در راستای اسلام‌هراسی در سطح جهان و برای از میان برداشتن جبهه مقاومت اسلامی، به کشورهای عراق و سوریه حمله کردند و جنایتهای

فراوان و گوناگونی انجام دادند. در این بین مجاهدانی مخلص و غیور برای دفاع از اسلام و حریم اهل بیت - علیهم السلام - با وداع با پدر، مادر، همسر، فرزندان و ترک تعلقات، گام در عرصه مقابله با این فتنه عظیم دنیای اسلام نهادند. فتنه‌ای که شیطان بزرگ، آمریکای جنایتکار، آن را در دامن جهان اسلام به وجود آورده و پرورانده بود.

در کنار تمامی زشتی‌های جنگ و جنایات فجیعی که توسط تکفیریه‌ها در کشورهای سوریه و عراق به عمل آمد و موجب تأثر جهانیان شد، زیباییهایی از جنس «و ما رأیت الا جمیلا» وجود دارد که قلم از بیان و صفش قاصر و عاجز است. زیباییهایی که با چشم دل و قلبی مملو از معرفت می‌توان دید و درک کرد. زیباییهایی از جنس حماسه‌های هشت ساله دفاع مقدس خودمان. این که هنوز هستند کسانی که همچون رزمندگان هشت سال دفاع مقدس، خالصانه، مشتاقانه و با اهدافی متعالی برای دفاع از ناموس اسلام و اهل بیت - علیهم السلام - حاضر به تقدیم همه هستی خود می‌شوند، حسی همراه با عزت و شرافت اسلامی و افتخار به این ستاره‌های درخشان ایران اسلامی در ذهن انسان متبادر می‌گردد. مدافعان حرمی که دشمنان را در هزاران کیلومتر ورای مرزهای ایران عزیزمان زمینگیر کرده و اجازه ندادند نگاه ناپاک دشمنان بر پرچم پر افتخار جمهوری اسلامی ایران بیفتد و با عمل بجای خود، داستانهای افسانه‌ای را جلو چشمهای خیره و حیرت زده همگان به واقعیت و به تصویر کشیدند.

در این شاهراه سعادت، عده زیادی از عزیزانمان پرکشیدند و خلعت

شهادت به تن کردند و همان گونه که خود می خواستند، عاشقانه در جوار حرم اهل بیت - علیهم السلام - آسمانی و حسینی شدند و کسانی هم این توفیق را یافتند تا با صبر زینبی خود، راوی رشادتها و فضائل این شهیدان عظیم الشأن باشند. آرزومندیم پاداش مجاهدتهای این عزیزان در راستای زنده نگه داشتن یاد و خاطره این عارفان بالله ، به دستان با کفایت اهل بیت - علیهم السلام - منظور و ملحوظ گردند.


سرتیپ پاسدار محمد پاکپور

فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران



تقدیر و تشکر؛

این کتاب مجموعه‌ای است از داستانهای کوتاه روایت شده از همسران محترم رزمندگان مدافع حرم. روایت تلخ‌ها و شیرین‌ها، سخت‌ها و خوشی‌ها، انتظارها و وصلها، حمایتها و کنایه‌ها، دردها و در یک کلمه، عاشقی و دلدادگی. در این نوشتار تلاش شده است گوشه‌هایی از حیات طیبۀ رزمندگان سلحشور و دلاور مدافعان حرم به روایت همسران فداکارشان به رشته تحریر درآید. در پایان از تمام همسران رزمندگان مدافع حرم که در مصاحبه‌های این کتاب شرکت داشتند، قدردانی می‌گردد.



سخن مؤلف:

روزی که تصمیم گرفتم برای مصاحبه با چند تن از همسران رزمندگان مدافع حرم عازم شوم، گمان نمی‌بردم، ثمره این ساعتها گفتگو داستانهایی با زمینه عشق از کار درآید. از آن جایی که سالها به عنوان مشاور خانواده با زنان و مردانی مصاحبه داشتم - که اکثریت قریب به اتفاق آنها دچار انواع مشکلات خانوادگی بودند - مشکلاتی که ریشه در محبت نکردن و محبت ندیدن، عدم تعهد و مسؤولیت پذیری همسران، کم‌تحملی و بی‌صبری، انتظارات غیر منطقی و خارج از توان همسر، عدم گذشت و فداکاری، تجملات و مادی‌گرایی، عدم احترام به همدیگر و خانواده‌های هم، یاری نرساندن به یکدیگر در زمان مشکلات، اختلافات فاحش فرهنگی-مذهبی، ایجاد مانع در مقابل رشد و تکامل همسر و... ریشه در خود خواهی‌ها و بی‌تقوایی و کم‌ایمانی داشت.

شاید نوع اشتغال من باعث شده بود، تصور کنم عشق را دیگر به راحتی نتوان در هر خانه‌ای شاهد بود! اگر هم ظاهراً محبت و عشق باشد، گذر زمان و بروز مسائل مختلف زندگی مانند زلزله‌ای هر چند خفیف، اگر هم کل بنای خانواده را ویران نکند؛ آسیب جدی به آن وارد می‌آورد.

تا جایی که زندگی را به اعضای خانواده تلخ و گاهی زجر آور می‌کند. اما مصاحبه‌ها این بار رنگ بویی تازه و عجیب داشت. خانواده‌هایی جوان، زنان و مردانی متعلق به همین نسل تحصیل کرده و اجتماعی، با آمال و آرزوهایی فراوان، که ناگهان با یک چالش بزرگ مواجه می‌شوند و چگونگی سازگاری با این چالشها و یاریها و همدلی‌های همسران. ریشه‌های شخصیتی، تربیتی و روانی افراد در این داستانها، مواردی است که تلاش کرده‌ام به آن بپردازم. این که مردانی جوان در دنیای پرهیاهو و پر زرق و برق، بتوانند در سخت‌ترین شرایط جلوه‌های بی‌بدیل جهاد و ایثار را به نمایش بگذارند، بیانگر آن است که به حتم در خانه همسرانی فداکار، مقاوم و یاورانی دلسوز و مهربان دارند، که طبعاً گام به گام با آنها حرکت می‌کنند. همسرانی که به شوهرانشان عشق می‌ورزند، احساس و عاطفه دارند، در برهه‌های سخت تصمیم می‌گیرند، عقل و عشق را در هم می‌آمیزند تا معجونی بهشتی بسازند.

"خوشبختی" کلید واژه‌ای است که همیشه با ازدواج هم‌نشین بوده و عشق در ازدواج مفهومی است که این روزها بیشتر در میان جوانان متداول و خواستنی شده است. در این داستانهای واقعی خواننده می‌تواند راز زندگی زیبا و دل‌انگیز را بیابد. معنای عشق را لمس کند و دریابد که می‌توان در خانه عاشقانه زیست، عاشق ماند و از همین عشق نردبانی ساخت برای رسیدن به عشقی والا و گرانبها و زیبا. عشق به انسانهایی بزرگ، کامل، معصوم و خدایی، نردبانی برای رسیدن به خدا.

تمام قهرمانان داستانها و حوادث، واقعی هستند. تلاش کرده‌ام با

سخن مؤلف / ۱۵

زبانی ساده و داستانی، خواننده را، با شخصیت اصلی همراه کنم تا او بتواند، هم با شخصیت داستان همدلی کرده و از خواندن آن بهره ببرد و هم درسهایی واقعی از زندگیهایی حقیقی بیاموزد و بداند عشق تنها آن چیزی نیست که در برخی داستانها، درون مایه شکست، ناکامی، خیانت، رؤیا پردازی، وهم انگیزی و بی دینی در آن موج می زند!

در واقع هنوز هم زندگیهایی هستند که بر پایه ایمان، تعهد و اخلاق بنا می شوند. عشق را ایجاد کرده و از آن پاسداری و مراقبت می کنند، تا جایی که عشقی دیگر از نوع والای آن، همین عشق زمینی را گام به گام به آسمان نزدیک می کند و در حقیقت زندگی ما وراثی هنوز ادامه دارد ...

منیره میرزایی ۱۳۹۵/۴/۸

